

# مقدمه

## الف - طرح مسئله

مذاهب اربعه اهل سنت (حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنبلیه) و مذهب امامیه هر چند که در اصول به طور کلی با هم همسو و هم‌طراز هستند اما در برخی از فروع اختلافاتی با هم دارند از موارد اختلافی، فریضه حج می باشد که همه مذاهب در اصول تشریح آن هم نظرند اما در برخی از احکام آن اختلافاتی دارند. از جمله اختلافات ایشان در زمینه محرمات و کفاراتی است که در مراسم حج، شخص مٌحرم در صورت اقدام به اعمالی خاص مأمور به انجام آن می باشد

## ب - سابقه و پیشینه تحقیق

درباره کفارات حج در منابع دسته اول فقهی مانند جواهر و مفتاح الکرامه و...، مباحث مبسوطی آمده است همچنین کتاب وزین الفقه علی المذاهب الخمسة اثر مغنیه در این باب موجود می باشد. همچنین از کتب اهل سنت می توان به کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه اثر عبد الرحمن جزیری و نیز کتاب بدایة المجتهد و نهایة المقتصد اثر ابن رشد اشاره نمود. اما کتابی که به صورت خاص در مورد فریضه حج بصورت تطبیقی تالیف شده باشد ملاحظه ننمودم، که همین امر انگیزه لازم جهت انجام این تحقیق را ایجاد نمود.

## ج - پرسشهای اساسی تحقیق

- ۱-۳. آیا اختلافات بین مذاهب در خصوص اصل حرمت یک عمل است یا در خصوص کفاره یک عملی که از نظر حرمت یا حلیت وضعیت مشخصی دارد و یا هر دو؟
- ۲-۳. با عنایت به کمیت موارد مورد اختلاف در بین مذاهب در مقایسه با موارد مورد اتفاق بین آنان، آیا می توان به همگرایی بیشتر مسلمانان در موسم حج در خصوص انجام فرائض اندیشید؟

## د- فرضیه ها

۴-۱. همه مذاهب خمسسه قائل به وجوب محرمات و کفاراتی در حج می باشند که در برخی موارد در محرمات و در برخی موارد در کفاره آن محرم و گاهی در هر دو اختلاف نظر دارند.

۴-۲. در میان مذهب اسلامی در این رابطه وجوه اشتراک و افتراقی وجود دارد اما اشتراکات از افتراقات بیشتر است. لذا همگرایی بیشتر مسلمانان در موسم حج می تواند از هم اندیشی بیشتر بین علمای مذاهب منتج شود.

## ه- ضرورت پژوهش

۵-۱. به روز شدن مباحث تطبیقی کفارات حج.

۵-۲. پراکندگی اختلافات موجود درباره کفارات حج در فقه شیعه و مذاهب اهل سنت و عدم آشنایی با این اختلافات و مهمتر علت آنها ضرورت این تحقیق را توجیه می نماید که شناسایی این اختلافات و بیان علت فقهی آنها یکی از اهداف این تحقیق می باشد.

## و- روش پژوهش

این تحقیق با روش تحلیلی انجام گرفته که روش گردآوری اطلاعات در آن کتابخانه ای و اسنادی و نیز با بکارگیری رایانه می باشد.

## ز- ساختار پژوهش

این تحقیق در سه فصل تدوین شده است که عبارتند از:

فصل اول: کلیات

فصل دوم: محرمات احرام از دیدگاه مذاهب خمسسه

فصل سوم: کفارات احرام از دیدگاه مذاهب خمسسه

و در نهایت نیز این تحقیق با نتیجه گیری پایان می پذیرد.

# فصل اول

# کلیات

## مبحث اول: تعریف مفاهیم

### الف - حج

۱. در لغت: حج در لغت به معنای قصد بعد از قصد است یعنی قصد مکرر و پی در پی. همچنین به معنای قصد رسیدن به چیزی بزرگ و با عظمت است. آدر بیانی دیگر به معنای قصد چیزی را کردن می باشد.<sup>۳</sup>
۲. در اصطلاح: حج در اصطلاح شرع مقدس اسلام به معنای عبادت مخصوص است که در مکان معلوم و زمان مخصوصی انجام داده شود.<sup>۴</sup> و نیز به معنای رفتن به خانه خدا به نیت تقرب به خدا.<sup>۵</sup>

### ب - عمره

۱. در لغت: عمره در لغت به معنی آهنگ مکانی برای آباد کردن و همچنین به هر نوع زیارتی گفته می شود. همچنین به معنای رفتن به مکانی آباد می باشد.<sup>۶</sup>
۲. در اصطلاح: عمره در اصطلاح فقه، زیارت خانه خداست، با آداب ویژه آن.<sup>۸</sup>

### ج - تمتع

- 
- ۱- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، (تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش)، ج ۲، ص ۱۰۵.
  - ۲- سعدی، أبو حبيب، القاموس الفقهي، دار الفكر، دمشق، ص ۷۶.
  - ۳- فتح الله، أحمد، معجم ألفاظ الفقه الجعفري، مطابع المدوخل ص ۱۵۰.
  - ۴- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، (تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۸ق)، ج ۱، ص ۴۳۴.
  - ۵- سعدی، أبو حبيب، القاموس الفقهي، دار الفكر، دمشق، ص ۷۶.
  - ۶- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، (بی جا: بی نا، بی تا)، ص ۶۲۴.
  - ۷- المصطلحات، إعداد مركز المعجم الفقهي، ص ۱۸۲۳.
  - ۸- المصطلحات، إعداد مركز المعجم الفقهي، ص ۱۸۲۴ و محمد جواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۱، ص ۴۳۴.

۱. در لغت: تمتع در لغت به معنی از چیزی تا مدتی سودولدت بردن و بهره مند شدن است.<sup>۱</sup> همچنین به معنای بهره بردن از چیزی است به نحوی که حاجت برآید و مدتی نیز طول بکشد.<sup>۲</sup>

۲. در اصطلاح: تمتع در اصطلاح نام نوعی از حج و عمره است، و بدان جهت این نوع از عمره و حج را تمتع نامیده اند که در مدتی که انسان از احرام عمره خارج می شود تا زمانی که بار دیگر برای حج محرم می شود، لذت هایی که زن از شوهر خود و مرد از همسر خود می برد جایز می باشد.<sup>۳</sup>

## د- کفّاره

۱. در لغت: کفّاره در لغت صیغه مبالغه از ماده «کَفَرَ» می باشد و به معنای آن است که گناه را به احسن وجه می پوشانند و جبران می کند.<sup>۴</sup> راغب در مفردات می گوید: «کفر» به فتح کاف به معنای پوشاندن شیء است و شب را کافر گوئیم چرا که اشخاص را می پوشانند و زارع را کافر گوئیم زیرا تخم را در زمین می پوشانند، کفر نعمت پوشاندن آن است با ترک شکر.<sup>۵</sup>

۲. در اصطلاح: کفّاره در اصطلاح فقه عملی است که مکلف برای جبران گناهی که از او صادر شده باید انجام دهد از قبیل: آزاد کردن برده، اطعام مساکین، روزه گرفتن، قربانی کردن و مانند آن مثل صدقه دادن.<sup>۶</sup>

---

۱- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، همان، ص ۲۵۸.

۲- معجم ألفاظ الفقه الجعفری، (بی جا: بی نا، بی تا) ص ۱۲۵.

۳- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، (تهران: انتشارات الاسلامیه، ۱۳۹۰ق)، ج ۱، ص ۲۵۳ و معجم ألفاظ الفقه الجعفری، مطابع المدوخل ص ۱۲۵ و سعدی أبو حیب، القاموس الفقہی، دار الفکر، دمشق، ص ۳۳۵.

۴- قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، همان، ج ۶، ص ۱۲۴.

۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (بیروت: دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق)، ج ۱، ص ۷۱۴.

۶- فتح الله، احمد، معجم ألفاظ الفقه الجعفری، چاپ اول، (بی جا: بی نا، ۱۹۹۵م)، ص ۳۴۹.

## ه- احرام

۱. در لغت: احرام در لغت مصدر باب افعال از ماده «حَرَمَ» است و به معنای داخل شدن در امر محترم و یا دخول در مکان یا زمان قابل احترام می باشد.<sup>۱</sup>
۲. در اصطلاح: در اصطلاح فقه عبارت است از: قصد ترک محرمات منافی عمره و حج؛ به عبارت دیگر عملی است که طی آن شخص داخل در اعمال حج و عمره می شود و به این دلیل احرام نامیده شده که انجام یک سری اعمال مباح که از محرمات احرام نیز محسوب می شود بر او ممنوع خواهد شد؛ تکبیره الاحرام نماز را نیز از این جهت تکبیره الاحرام نامیده اند که با گفتن آن و داخل شدن در نماز انجام مبطلات نماز بر او حرام می شود.<sup>۲</sup>

## و- مذاهب خمس

مقصود از مذاهب خمس عبارت است از مذاهب چهار گانه اهل سنت، یعنی: حنفیه، مالکیه، شافعیه، حنبلیه، و مذهب امامیه.

---

۱- فتح الله، احمد، معجم الفاظ الفقه الجعفری، چاپ اول، (بی جا: بی نا، ۱۹۹۵م)، ص ۳۳ و

المصطلحات، إعداد مرکز المعجم الفقہی، (بی جا: بی نا، بی تا)، ص ۹۳.

۲- اعداد المركز المعجم الفقہی، المصطلحات، (بی جا: بی نا، بی تا)، ص ۹۳ و سعدی أبو حبيب

، القاموس الفقہی، دار الفكر، دمشق، ص ۸۵.

## مبحث دوم: جایگاه حج در اسلام

### گفتار اول: حج از ارکان اسلام

اسلام دارای مبانی و ارکانی است که بر آنها بنا شده و بر آنها قوام گرفته و بدون وجود آنها فرو می ریزد و از آن جز اسمی بی مسما بر جای نمی ماند یکی از این ارکان، حج است. همانطور که امام باقر علیه السلام فرمودند: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکوة، روزه، حج و ولایت»<sup>۱</sup>. بنابراین آن کس که عمداً حج نگذارد، رکنی از ارکان دین الهی خویش را نابود کرده و در نتیجه اسلام کامل را از بین برده است از همین رو خداوند درباره ترک عمدی حج فرمود: «هر کس کفر ورزد (وحج را ترک کند به خود زیان رسانده و) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است»<sup>۲</sup> در این آیه از ترک عمدی حج به کفر تعبیر شده است. پس کسی که عمداً به حج نرود عملاً کافر است گرچه در ایمان و اعتقاد کافر نباشد.

### گفتار دوم: جهان شمولی حج

اسلام از آن جهت که دین جهان شمول و برنامه آموزنده جهانی است و همواره دو اصل زوال ناپذیر «همگانی» و «همیشگی» بودن، یعنی «کلیت» و «دوام» را گوشزد می کند باید برنامه های آن هم جهانی بوده و نمودار زنده ای از کلیت و دوام باشد بر همین اساس می توان حج را به عنوان یکی از شاخص ترین برنامه های جهانی اسلام یادآور شد و همگانی و همیشگی بودن آن را سند گویای کلیت و دوام دین الهی دانست.

---

۱- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، اصول کافی، چهارم، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش) ج

۲، ص ۱۸.

۲- آل عمران، ۹۷ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.



هنگامی که کعبه قبله رسمی مسلمانان شد، پیروان کیش موسای کلیم عَلَيْهِ السَّلَام اعتراض کردند که چگونه عنوان کعبه از بیت المقدس به کعبه انتقال یافت؟ وحی نازل شد که سابقه کعبه بیش از دیگر بناهای عمومی است و کعبه اولین خانه ای است که برای عبادت بندگان خدا و هدایت همگان تأسیس شده است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى  
لِّلْعَالَمِينَ

یعنی: همانا نخستین خانه ای که برای عبادت مردم  
بنا شد همان است که در مکه است و مایه برکت و  
هدایت جهانیان است.»<sup>۱</sup>

و از طرفی هدایت آن برای همه جوامع بشری بوده و مخصوص به عصر خاص یا  
نژاد معینی نیست. به همین جهت از دیرباز همه اقوام و مللی که به پرستش خدا معتقد  
بودند به کعبه احترام می گذاشتند و به علل گوناگونی تکریم آن را لازم می دانستند.  
خلاصه اینکه، با استدلال به تقدم کعبه بر بیت المقدس و قدمت تاریخی  
و سابقه کهن آن، به اعتراض پیروان برخی ادیان آسمانی پاسخ رسایی داده شد  
و شاید از همین بعد قدمت تاریخی کعبه است که قرآن کریم آن را «بیت  
عتیق»<sup>۲</sup> می داند، یعنی خانه کهن و سابقه دار زیرا هر چیز سابقه داری را که از  
اهمیت و ارزش برخوردار است عتیق می نامند.

قرآن کریم همانطور که کعبه را اولین و با سابقه ترین خانه عبودیت و  
پرستش می داند آن را برای همه جهانیان محور بندگی نیز می شناسد و می  
فرماید: «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup> بنابراین اولین خانه ای که برای همه مردم وضع شده

---

۱- آل عمران، ۹۶.

۲- حج، ۲۹.

۳- آل عمران، ۹۶.

و هدایت جهانیان را تأمین می کند کعبه است و هیچ اختصاصی به گروه و نژاد خاصی ندارد و مردم اقلیمی معینی از افراد اقلیم دیگر به آن سزاوارتر نیستند و مرزهای جغرافیایی نیز در این امر همگانی نقش ندارد از این رو ملل گوناگون جهان، اعم از هندی و فارس و کلدانی و یهودی و عرب آن را گرامی می داشتند.<sup>۱</sup>

خداوند سبحان در این باره می فرماید:

«وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا  
وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ\* وَأَذِّنْ فِي  
النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ  
فَجٍّ عَمِيقٍ.»

یعنی: به یاد آور هنگامی که مکان کعبه را برای ابراهیم خلیل علیه السلام معین کردیم تا مرجع عبادت پرستندگان را فراهم کند و به او گفتیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و راکعان و ساجدان پاکیزه نگه دار و در بین مردم دعوت حج را اعلان کن تا از هر سو و به هر وضع و با هر وسیله ممکن از پیاده و سواره و از دور و نزدیک، به ندای تو پاسخ و به منظور انجام حج و زیارت کعبه گرد آیند.<sup>۲</sup>

شاهد قرآنی دیگر اینکه فرمود: خداوند، کعبه را از حرمت خاصی برخوردار ساخت و عامل قیام همگانی و مردمی قرار داد: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ

---

۱- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، (بی جا: منشورات جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا)، ج ۳، ص ۳۵۸-۳۶۳.

۲- حج، ۲۶ و ۲۷، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...»<sup>۱</sup> مهمترین عامل قیام همه مردم جهان، خانه ای است که همگان به سوی آن نماز می گزارند و بر گرد آن طواف می کنند و در کنار آن به نیایش می پردازند و در حریم آن به تفکر در آیات الهی می نشینند.

دقت کافی در محتوای آیه و انسجام صدر و ذیل آن نشان می دهد که کعبه به عنوان مطاف عمومی و عامل قیام همگانی قرار داده شده است یعنی اگر هدف همه انبیای الهی این است که مردم با یافتن کتاب و میزان آشنایی با محتوای ره آورد پیامبران به قسط و عدل قیام کنند: «...وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»<sup>۲</sup> عامل مهمی که می تواند به این هدف والا تحقق مبخشد و زمینه قیام همه مردم را به قسط و عدل فراهم کند و خصوصیت‌های نژادی و جغرافیایی را کنار زده و اختلافات زمانی و مکانی را درنوردد، کعبه است. از این رو است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: لَأَيُّ الدِّينِ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ همواره دین پروردگار قائم و زنده است مادام که کعبه پایرجاست.<sup>۳</sup>

پس قیام دین به قیام متدینان خواهد بود، همچنان که قیام کعبه به قیام زائران آن است و همانطور که دین خدا یکی است و برای همگان است، کعبه نیز مطاف عمومی و زیارتگاه جهانی بوده قیام جهان شمول مردم با توجه به آن تأمین می گردد.<sup>۴</sup>

---

۱- مائده، ۹۷.

۲- حدید، ۲۵.

۳- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، (قم: موسسه آل البيت، ۱۳۷۲ش) ج ۸، ص ۱۴.

۴- جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، (قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۵) ص ۴۸.

## مبحث سوم: آثار و فوائد حج

مراسم پرشکوه حج، همچون عبادات دیگر، دارای برکات و آثار فراوانی در فرد و جامعه اسلامی است که اگر طبق برنامه صحیح انجام پذیرد، و از آن بهره برداری درستی شود می تواند هر سال منشاء تحول تازه ای در جوامع اسلامی گردد. این مناسک بزرگ در حقیقت دارای چهار بعد است که هر یک از دیگری ریشه دارتر و پرسودتر است که عبارتند از: بعد اخلاقی، بعد سیاسی، بعد فرهنگی و بعد اقتصادی.

### گفتار اول: بعد اخلاقی<sup>۱</sup>

مهمترین فلسفه حج، همان دگرگونی اخلاقی است که در انسانها به وجود می آید. حج، همانند دیگر عبادتها، آداب، سنن و فرایضی دارد که برای تحصیل صفات ثبوتیه و پرهیز از صفات سلبيه است. انسان از آن جهت که خلیفه حق و مظهر جمال و جلال اوست، دارای صفات ثبوتی و سلبی است. از این رو موظف است که به «تخلیه» و «تحلیه» پردازد، بدین صورت که ابتدا خود را از رزائل اخلاقی خالی کند و سپس به فضائل اخلاقی مزین سازد و جلوه جمال و جلال حق شود. حج بهترین فرصت برای تأمین این هدف است زیرا حج برای تهذیب نفس است.

محرمات حج برای تطهیر قوایی است که احیاناً گرفتار عصیان و تباهی می شود چنانکه آیه شریفه: «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» در حج آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال نیست<sup>۲</sup> به سه مورد از محرمات حج که هر یک در تطهیر یکی از آن قوای نفسانی نقش دارد اشاره می کند، یعنی «لَا رَفَثَ» به پاک کردن قوه شهویه مربوط است و «لَا فُسُوقَ» به تطهیر قوه غضب بر می گردد و «لَا جِدَالَ» ناظر به تهذیب قوای فکری است و با طهارت این

۱- همان، ص ۳۲۸.

۲- بقره، ۱۹۷ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

قوای سه گانه همه کارهای انسانی پاک می شود، زیرا هر کاری که از انسان صادر می شود با تحلیل دقیق به یکی از سه قوه بر می گردد و تفصیل آن بر عهده علم اخلاق است.

مراسمی که طهارت این قوای سه گانه را در پی داشته باشد، علاقه های معنوی انسان را لحظه به لحظه با خدایش محکم تر و رابطه او را قوی تر و نزدیکتر می سازد، او را از گذشته تاریک و گناه آلودش بریده و به آینده روشن و پر از صفا و نور پیوند می دهد.

علاوه بر این توجه به این حقیقت که مراسم حج در هر قدم یادآور خاطرات ابراهیم بت شکن و اسماعیل ذبیح الله و مادرش هاجر است؛ و مجاهدت ها و گذشت ها و ایثارگری آنها را لحظه به لحظه در برابر چشمان انسان مجسم می کند. و نیز توجه به اینکه سرزمین مکه عموماً و مسجدالحرام و خانه کعبه و محل طواف خصوصاً یادآور خاطرات پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و پیشوایان بزرگ و مجاهدت های مسلمانان صدر اسلام است. این انقلاب اخلاقی عمیق تر می گردد.

## گفتار دوم: بعد سیاسی<sup>۱</sup>

به گفته یکی از فقهای بزرگ اسلام مراسم حج در اینکه خالص ترین و عمیق ترین عبادت را عرضه میکند موثرترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی اسلام است. روح عبادت، توجه به خدا و روح سیاست، توجه به خلق خداست. این دو در حج آنچنان به هم آمیخته اند که تار و پود یک پارچه حج عامل موثری برای وحدت صفوف مسلمانان است. حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است. حج

---

۱- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۱۸.

وسیله ای است برای از بین بردن خفقان های نظام های ظالمانه ای که در کشورهای اسلامی حکمفرماست.

حج وسیله ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر و بالاخره حج، عامل مؤثری برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمین. و به همین جهت در آن ایام که حاکمان جبار همچون بنی امیه و بنی عباس بر سرزمین های مقدس اسلامی حکومت می کردند و هر گونه تماس میان قشرهای مسلمان را زیر نظر می گرفتند، تا هر حرکت آزادی مبحث را سرکوب کنند.

فرا رسیدن حج دریچه ای به سوی آزادی و تماس قشرهای جامعه بزرگ اسلامی با یکدیگر و طرح مسائل سیاسی است. روی همین جهت امیر المؤمنین علی علیه السلام به هنگامی که فلسفه فرائض و عبادات را بر می شمردند، درباره حج فرمودند: «الْحَجُّ تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ»<sup>۱</sup> بی جهت نیست که یکی از سیاستمداران معروف بیگانه در گفتار پر معنی خود می گوید وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را درک نکنند و وای به حال دشمنانشان اگر معنی حج را درک کنند<sup>۲</sup> و حتی در روایات اسلامی حج به عنوان جهاد افراد ضعیف شمرده شده، جهادی که حتی پیرمردان و پیرزنان با حضور در صحنه آن می توانند شکوه و عظمت امت اسلامی را منعکس سازند، و با حلقه های تو در توی نمازگزاران، گرد خانه خدا و سر دادن آوای وحدت و تکبیر، پشت دشمنان اسلام را بلرزانند.

از دیگر ابعاد سیاسی حج اعلان برائت و بیزاری از مشرکان و افکار و رفتار و منش آنها است؛ گرچه برخی افراد جاهل این موضوع را بر خلاف قداست خانه کعبه و مناسک حج می دانند. لذا در خصوص این بعد از حج حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) در مبحثی از پیامی که در

---

۱- نهج البلاغه، سید رضی (گردآورنده)، ترجمه محمد دشتی، (قم: امیرالمؤمنین، ۱۳۸۱) ص ۲۵۲.

۲- جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، همان، ص ۳۵.

تاریخ ۱۳۶۶/۵/۶ برای زائران بیت الله الحرام فرستادند، و به پیام براءت شهرت یافت چنین فرمودند:

«اعلان براءت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی، با صلابت و شکوه هر چه بیشتر انجام شود ... چه بسا جاهلان متنسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان براءت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است، نه میدان صف آرای و رزم؛ و نیز چه بسا عالمان متهتک القا کنند که مبارزه و براءت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می باشد که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهانخواران به شمار می رود.»

... به هر حال اعلان براءت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکّل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستهاست و به شعار هم خلاصه نمی شود، که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار براءت نکنند پس در کجا می توانند اظهار نمایند و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و

پشتیبان سربازان خدا و مدافعان و حرمت انبیا نیست پس  
مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟...»<sup>۱</sup>

## گفتار سوم: بعد فرهنگی

ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج می تواند به عنوان مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکرها درآید. مخصوصاً با توجه به این نکته که اجتماع شکوهمند حج، نماینده طبیعی و واقعی همه قشرهای مسلمانان جهان است چرا که زوار کعبه از میان گروه ها، نژادها و زبانهایی که مسلمانان به آنها تکلم می کنند برخاسته و در آنجا جمع می شوند لذا در روایات اسلامی می خوانیم یکی از فوائد حج: نشر اخبار و آثار رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به تمام جهان اسلامی است.

هشام بن حکم که از شاگردان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام است می گوید: از آن حضرت درباره فلسفه حج و طواف کعبه سوال کردم فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ ... وَأَمْرَهُمْ بِمَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِ  
الطَّاعَةِ فِي الدِّينِ وَ مَصْلِحَتِهِمْ مَنْ أَمْرٍ دُنْيَاهُمْ فِيهِ  
الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيَنْزِعَ كُلُّ قَوْمٍ  
مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ ... وَ لِيَتَعْرِفَ آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ تَعْرِفَ أَخْبَارَهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى.

یعنی خداوند این بندگان را آفرید ... و فرمان  
هایی در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد. از جمله:  
اجتماع مردم شرق و غرب را در آیین حج مقرر داشت،  
تا مسلمانان به خوبی یکدیگر را بشناسند و از حال هم

---

۱- موسوی الخمینی، روح الله، صحیفه نور، چاپ اول، (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹ش)، ج ۲۰،



آگاه شوند و هر گروهی سرمایه های تجاری را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند ... و برای اینکه آثار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اخبار او شناخته شود، مردم آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموش نکنند...<sup>۱</sup>

به همین دلیل در دوران های خفقان باری که خلفاء و سلاطین جور اجازه نشر این احکام را به مسلمانان نمی دادند آنها با استفاده از این فرصت مشکلات خود را حل می کردند و با تماس گرفتن با ائمه هدی علیهم السلام و علمای بزرگ دین پرده از چهره قوانین اسلام و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر می داشتند. از سوی دیگر حج می تواند تبدیل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود، و اندیشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه هستند گرد هم آیند و افکار و ابتکارات خود را به دیگران عرضه کنند.

اصولاً یکی از بدبختی های بزرگ این است که مرزهای کشورهای اسلامی سبب جدایی فرهنگ آنها شود. مسلمانان هر کشور تنها به خود بیندیشند که در این صورت جامعه واحد، پاره پاره و نابود می گردد. آری حج می تواند جلو این سرنوشت شوم را بگیرد و چه جالب هشام بن حکم از قول امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در ذیل همان روایت بیان می کند که:

«وَلَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ أُمَّةً يَتَكَلَّمُونَ عَلَيَّ بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهَا هَلَكُوا، وَخَرَجَتِ الْبِلَادُ وَسُقِطَ الْجَلْبُ وَالْأَرْبَاحُ وَغُمِيَّتِ الْأَخْبَارُ وَلَمْ يَقِفُوا عَلَيَّ ذَلِكَ فَذَلِكَ عَلَّةُ الْحَجِّ»

یعنی اگر هر قومی تنها از بلاد و کشور خویش سخن بگوید و تنها به مسائلی که در آن است بیاندیشد همگی نابود می گردند و کشورهایشان نابود و ویران می

---

۱- محمدی ری شهری، محمد، الحج و العمره فی الكتاب و السنه، (قم: دارالحدیث، بی تا) ص

شود، منافع آنها ساقط می‌گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می‌گیرند و مردم از آن آگاه نخواهند شد همین امر علت حج است.<sup>۱</sup>

### گفتار چهارم: بعد اقتصادی حج

برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند استفاده از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه های اقتصادی کشورهای اسلامی نه تنها با روح حج منافات ندارد بلکه طبق روایات اسلامی یکی از فلسفه های آن را تشکیل می‌دهد. چه مانعی دارد که مسلمانان در آن اجتماع بزرگ پایه یک بازار بزرگ مشترک اسلامی را بگذارند و زمینه های مبادلاتی و تجارتي را در میان خود به گونه ای فراهم سازند که نه تنها منافعشان به جیب دشمنان نریزد بلکه اقتصادشان نیز وابسته به اجانب نباشد. که این دنیاپرستی نیست، بلکه عین عبادت است و جهاد.<sup>۲</sup>

لذا در همان روایت هشام بن حکم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام ضمن بیان فلسفه های حج صریحاً به این موضوع اشاره شده بود که یکی از اهداف حج تقویت تجارت مسلمانان و تسهیل روابط اقتصادی است و در حدیث دیگری از ایشان در تفسیر آیه ۱۹۸ سوره بقره که می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ»<sup>۳</sup> عیاشی در تفسیر خود حدیثی را ذکر کرده که مطلب مورد اشاره ما را تأیید می‌نماید و آن حدیث عبارت است از:

«فَإِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ إِحْرَامِهِ وَقَضَى فَلَيشْتَرُوا وَلِيَبِعَ

فِي الْمَوْسِمِ.

---

۱- همان، ص ۱۳۷.

۲- تفسیر آسان، ج ۱۳، ص ۱۲۰.

۳- بقره، ۱۹۸.

یعنی هنگامی که انسان از لباس احرام بیرون آید و  
مناسک حج را به جا آورد در همان موسم حج خرید و  
فروش کند»<sup>۱</sup>.

همین معنی در ذیل حدیثی از امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام بطور  
مشروح که در بیان فلسفه های حج وارد شده است، آمده و در پایان آن می  
فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»<sup>۲</sup> اشاره به این که آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»<sup>۳</sup> هم  
منافع معنوی را شامل می شود و هم منافع مادی را که از یک نظر همه معنوی  
است.

خلاصه این که این عبادت بزرگ اگر به طور صحیح و کامل مورد بهره  
برداری قرار گیرد و زوارخانه خدا در آن ایام که در آن سرزمین مقدس حضور  
دارند، و دل‌هایشان آماده است لذا این فرصت بزرگ برای حل مشکلات  
گوناگون جامعه اسلامی با تشکیل کنگره های مختلف سیاسی، فرهنگی و  
اقتصادی استفاده کنند. این عبادت از هر نظر می تواند مشکل گشا باشد، و  
شاید به همین دلیل است که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند: «وَلَا يَزَالُ الدِّينُ  
قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»<sup>۴</sup> یعنی مادام که خانه کعبه برپاست، اسلام هم برپا است و  
نیز ایشان می فرمایند: خانه کعبه را فراموش نکنید که اگر فراموش کنید هلاک  
خواهید شد.

---

۱- سمرقندی، مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، (تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا)، ص ۹۶.

۲- ابن بابویه القمی، علی بن الحسین، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، (بیروت: موسسه الاعلمی  
للمطبوعات، ۱۹۸۴م)، ج ۱، ص ۹۷.

۳- حج، ۹۸.

۴- طباطبایی، حسین، جامع احادیث شیعه، (قم: بی نا، بی تا)، ص ۲۲۰.

# فصل دوم

## محرمات احرام